



## منطق

منطق از دو نظر جزء **علوم اسلامی** محسوب می‌شود: اولاً به دلیل این که مانند **ادبیات عرب** نسبت به بسیاری از **علوم اسلامی** جنبه مقمّی دارد. ثانیاً: گرچه منطق ریشه در خارج از حوزه فرهنگ **اسلام** دارد و قبل از **اسلام** توسط **ارسطا طالپس یونانی** پایه‌گذاری و تدوین شده، اما بسیاری از قواعد آن توسط **فلاسفه اسلامی** طرح و تدوین گردیده و از این رهگذر تکمیل شده است.

### فهرست مندرجات

- ۱- [تعریف](#)
- ۲- [موضوع](#)
- ۳- [فایده منطق](#)
- ۴- [تاریخچه](#)
- ۵- [بنیان‌گذاران](#)
- ۶- [جایگاه منطق در متون دینی](#)
- ۷- [پانویس](#)
- ۸- [منبع](#)

### تعریف

منطق، قانون صحیح اندیشیدن و درست فکر کردن است یعنی قواعد و **قوانین منطقی** به منزله یک مقیاس و معیار سنجش است که هرگاه بخواهم درباره برخی از موضوعات علمی یا فلسفی تفکر و استدلال نمایم باید استدلال‌های خود را با مقیاس‌های منطقی ارزیابی کنیم تا به طور اشتباه نتیجه‌گیری ننمایم، به عنوان مثال منطق برای یک عالم و **فیلسوف** که از آن استفاده می‌کند مانند شاقول یا طراز است که بنا برای تنظیم امور ساختمان از آن استفاده می‌کند. به همین جهت در تعریف منطق گفته‌اند: منطق ابزاری است که مراعات کردن و به کارگیری اصول و ضوابط آن ذهن را از اشتباه در تفکر و اندیشه باز می‌دارد.

- [۱] مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ۵، ص ۴۴، انتشارات صدرا، چ ۳، ۱۳۷۴ ش؛
- [۲] ابو علی سینا، الاشارات و التنبیهات، ج ۱، ص ۹،
- [۳] مظفر، محمد رضا، المنطق، ص ۱۲، انتشارات دارالمعارف، بیروت، ۱۴۰۰ ق.

### موضوع

قبل از هر چیز لازم است اشاره شود که موضوع هر علم عبارت است از آن چیزی که آن علم در اطراف احوال، خواص و آثار آن بحث می‌کند. و از آن جا که هر علمی باید یک محور مشخص را مورد بحث قرار داده و درباره مسایل مربوط به آن بحث کند، علم منطق نیز محور معینی برای بحث دارد که از آن در اصطلاح منطقی به «معرّف وجهت» یاد می‌شود، یعنی موضوع و محور مباحث علم منطق یا تعریف‌هاست یا حجت‌ها و استدلال‌ها، و به طور کلی منطق دو چیز می‌خواهد به انسان بیاموزد: یکی راه صحیح و درست تعریف کردن و شناساندن.

دوم: راه درست استدلال کردن برای اثبات یک مسأله.

- [۴] مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ۵، ص ۵۰، نشر پیشین؛
- [۵] سبزواری، هادی، شرح منظومه، ج ۱، ص ۳۸،
- [۶] با تعلیقه حسن زاده آملی، نشر نلب، ۱۳۶۹ ش.

### فایده منطق

برای روشن شدن فایده منطق لازم است که اول فکر تعریف شود، زیرا تا فکر شناخته نشود، فایده منطق معلوم نخواهد شد. در تعریف فکر گفته‌اند: **تفکر** عبارت است از مربوط کردن چند معلوم به یک دیگر برای بدست آوردن یک معلوم جدید و تبدیل کردن یک مجهول به معلوم، پس تفکر در حقیقت سیر حرکت ذهن از یک مطلوب مجهول به سوی یک سلسله

مقدمت معلوم، سپس حرکت از آن مقدمت معلوم به سوی آن مطلوب برای تبدیل آن به معلوم. ذهن وقتی فکر می‌کند و می‌خواهد از ترکیب معلومت خویش مجهول را برایش معلوم کند، باید به آن معلومت شکل و نظم خاصی بدهد، منطق به انسان می‌آموزد که این شکل نظم را چگونه باید انجام داد تا نتیجه حاصل شود، بنابراین فایده و کاربرد منطق این است که حرکت ذهن را در هنگام تفکر تحت کنترل خود قرار می‌دهد تا صحیح نتیجه‌گیری کند.

[۱۷] مظفر، محمد رضا، المنطق، ص ۱۲، انتشارات دارالمعارف، بیروت، ۱۴۰۰ ق؛

[۱۸] ملا عبدالله، الحاشیه علی تہذیب المنطق، ص ۱۷، نشر مؤسسه نشر اسلامی، قم؛

[۱۹] صدر المتألهین، منطق نوین (ترجمه الملعن المشرقیہ فی الفنون المنطقیہ)، ص ۱۱۵ نشر مؤسسه آگاہ، تهران، ۱۳۶۳ ش؛

[۲۰] مطہری، مرتضی، مجموعہ آثار، ۵، ص ۴۵، نشر پیشین.

به عنوان مثال جریان یک استدلال در عالم ذهن مانند یک ساختمان است، یک ساختمان آنگاه کامل است که هم مصالح بی‌عیب باشد و هم شکل ساختمان روی اصول و قواعد صحیح ساختمانی باشد. مثلاً اگر گفته شود «سفر ابط انسان است و هر انسانی ستمگر است پس سفر ابط ستمگر است» این استدلال از نظر شکل و صورت صحیح است اما از نظر ماده و مصالح فاسد است، زیرا آن جا که می‌گوییم هر انسانی ستمگر است درست نیست، اما اگر بگوییم: «سفر ابط انسان است سفر ابط عالم است، پس انسان عالم است» ماده و مصالح استدلال صحیح است، شکل و نظام آن منطقی نیست لهذا نتیجه غلط است.

از مجموع آنچه بیان معلوم خواهد شد که فایده منطق این است که خطا سنخ است و انسان را از اشتباه در اندیشیدن آگاہ می‌کند. چه این که مراعت قوانین منطق سبب می‌شود که انسان دچار مشکل در اندیشیدن نشود.

[۲۱] مظفر، محمد رضا، المنطق، ص ۱۲، انتشارات دارالمعارف، بیروت، ۱۴۰۰ ق؛

[۲۲] ملا عبدالله، الحاشیه علی تہذیب المنطق، ص ۱۷، نشر مؤسسه نشر اسلامی، قم؛

[۲۳] صدر المتألهین، منطق نوین (ترجمه الملعن المشرقیہ فی الفنون المنطقیہ)، ص ۱۱۵، نشر مؤسسه آگاہ، تهران، ۱۳۶۳ ش؛

[۲۴] مطہری، مرتضی، مجموعہ آثار، ۵، ص ۴۵، نشر پیشین.

مثلاً در استدلال دوم مشکل آن است که هیچ یکی از دو مقدمه قیاس کلی نیست در حال که در قیاس شکل اول باید مقدمه اول (صغرا) موجبه باشد، و مقدمه دوم (کبری) کلی باشد. مثلاً منطق به انسان می‌آموزد این گونه صورت قیاس تشکیل شود تا نتیجه حاصل گردد:

سفر ابط عالم است. هر عالم علم دارد پس سفر ابط علم دارد. یا بر اساس موازین منطقی دین گونه باید گفت: سفر ابط انسان است، هر انسان مخلوق خداست، پس سفر ابط مخلوق خداست. و به خاطر این جایگاه و ارزش و فایده منطق است که حکیم بزرگ یوعلی سینا درباره آن گفته است: «منطق بهترین یاور و کمک است برای در فهم و درک همه علوم و دانش‌ها، به همین جهت حق است که عده در مدح و ستایش منطق تا جای پیش رفته و گفته‌اند که»

چون منطق معیار و میزان همه علوم است لذا جایگاه آن در میان علوم جایگاه خادم نیست بلکه جایگاه رئیس است یعنی منطق خادم علوم نیست بلکه رئیس همه علوم است.

[۲۵] منطق شفا، ج ۲، بخش قیاس، مقاله اولی، فصل ۲، ص ۱۵، نشر مکتبه مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ ق.

## تاریخچه

گرچه منطق، به معنای وسیع آن یعنی اندیشه، فکر و از طریق امور و مسایل معلوم امور و مسایل مجهول را بدست آوردن در فطرت و سرشت انسان نهفته است و هر انسانی چه علم و چه آن که علم مدرس ندارد همه با رهنمای فطرتش همواره به وسیله امور معلوم، امور مجهول را کشف می‌کند و بدست می‌آورد، از این نظر نمی‌توان پیشینه تاریخی برای منطق ذکر نمود چون از روزی که انسان خلق شده منطق به معنای یاد شده را داشته است، اما علم منطق به عنوان یک دانش مدون و با قواعد خاص

[۲۶] حسن زاده آملی، برهان عرفان و قرآن از هم جدای ندارد، ص ۲۵، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۰ ش.

از متون یونانی ترجمه شده و به سرعت در میان مسلمین گسترش یافت و اضافاتی به آن پدید آمد و به سر حد کمال رسید، بزرگترین منطق که در میان مسلمین تدوین شد، منطق شفا ی یوعلی سینا است که چندین برابر منطق ارسطو است، منطق ارسطو را حنین بن اسحاق از یونانی به عربی ترجمه کرده که به اعتراف بسیاری از کارشناسان از بهترین ترجمه‌های آن منطق محسوب می‌شود.

[۲۷] مطہری، مرتضی، مجموعہ آثار، ۵، ص ۴۴، نشر پیشین.

## بنیان گذاران

همان گونه که در بخش پیشینه اشاره شد، منطق به معنای اندیشیدن و تفکر و استدلال و برای شناخت امور مجهول از امور معلوم استفاده کردن یک دانش فطری انسان است لذا همزمان با خلقت انسان در نهاد او وجود داشته است، و به همین جهت ممکن است در برخی زملن‌ها کسانی بوده‌اند که درباره منطق چیزی گفته و یا تدوین کرده باشد، مثلاً قبل از ارسطو حکمای بزرگی چون سقراط و افلاطون و مانند آنها کارهای عقلی می‌کرده‌اند به طور یقین روش‌های علمی آنان براساس نظم و قواعدی بوده است و بدون روش خاصی کارهای علمی و عقلی خود به شاگردانش اراء نموده‌اند. اما مراد از بنیان گذار در این بحث آن است که علم منطق به صورت که فعلاً در دست و قواعدی خاص دارد و به عنوان یکی از علوم اسلامی در مراکز علمی تحصیل و تدریس می‌شود توسط چه کسی بنیان نهاده شده است؟

آنچه بزرگان و کارشناسان

[۲۸] حسن زاده آملی، هزار و یک نکته، نکته ۵۷۲.

فن گفته این است که علم منطق که امروز از آن به منطق صوری نیز یاد می‌شود، توسط ارسطو تدوین و تنظیم شده است، و در جهان اسلام حکمای بزرگی مانند فارابی و یوعلی سینا نقش بسیار در تکمیل آن علم داشته‌اند. مثلاً تقسیم علم به تصور و تصدیق اولین بار توسط حکیم بزرگ مسلم معلم ثانی فارابی انجام گرفته است. و یا تقسیم قضایا به خارجی، ذهنیه و حقیقیه که جزء مهم‌ترین مباحث منطق است، اولین بار توسط یوعلی سینا صورت گرفته است، یا مثلاً قضیه عرفیه عامه، که یکی از قضایا ی منطقی است توسط فخر رازی ابداع شده است.

[۲۹] مطہری، مرتضی، مجموعہ آثار، ۵، ص ۳۱، نشر پیشین.

این مسایل بخوبی ثابت می‌کند که گرچه ارسطو مبتکر منطق است اما نقش حکمای اسلامی در تکمیل و تدوین مباحث جدید در منطق به حد زیاد است که به آسانی می‌توان گفت که حکما بزرگ مسلم جزء بنیان گذاران منطق شمرده می‌شوند.

## جایگاه منطق در متون دینی

برخی از بزرگان اهل حکمت و معرفت بر هماهنگی کامل میان منطق و قرآن اصرار نموده و در مجموع گفته است بسیاری از آیات قرآن براساس قواعد منطقی قابل طرح و تبیین است، و این حکایت از هماهنگی علم میزان با متون دینی دارد.

[۳۰] حسن زاده آملی، حسن، قرآن و عرفان و برهان از هم جدائی ندارد، ص ۱۰۷، نشر قیام، قم، ج ۲، ۱۳۷۴ ش.

در این جا به چند نمونه اشاره می‌شود:

۱. **قرآن کریم در سوره بقره آیه ۲۶۲** جریان استدلال **حضرت ابراهیم** به نحوی مطرح کرده که در واقع یک روش کاملاً منطقی است مثلاً می‌گوید: «قَالَ اِبْرَاهِيمُ قُلِّمَ اللّٰهُ بِلِسَانِهِ مِنَ الْمَشْرِقِ قُلَّتْ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبَيَّتَ الَّذِي كَفَرَ» بیان منطق این کلام چنین است: هر که بتواند خورشید را از کرانه خاور برآورد خداست. خدای من بر این کار تواناست. پس خدای من خدای عالم است نه نمرود.
  ۲. یاد در جریان **منظره** با ستاره پرستان چنین استدلال می‌کند: ستاره و ماه و خورشید غروب کردند، غروب کننده خدا نیست، پس آنها خدا نیست.
  ۳. و هم چنین در **برهان تمنع** فرمود: «لَوْ كُنَّ فِيهِمَا اِلَهَةٌ اِلَّا اللّٰهُ لَفَسَدَتَا». از این گونه **آیات** در **قرآن** فراوان است که بدین روش **استدلال** کرده است و از مجموع آن به خوبی معلوم می‌شود که علم منطق رابطه نزدیک با **متون دینی** دارد، لذا جایگاه و ارزش آن را از این طریق نیز می‌توان بدست آورد.
- ۱۱۱ ملاصدرا، مفاتیح الغیب، ص ۵۷۴، چاپ رحل قدیم، ضمیمه شرح اصول کافی، نشر مکتبه محمودی، تهران.

## پانویس

۱. [↑](#) مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ۵، ص ۴۴، انتشارات صدرا، چ ۳، ۱۳۷۴ ش؛
۲. [↑](#) ابو علی سینا، الاشارات و التنبهات، ج ۱، ص ۹،
۳. [↑](#) مظفر، محمد رضا، المنطق، ص ۱۲، انتشارات دارالمعارف، بیروت، ۱۴۰۰ ق.
۴. [↑](#) مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ۵، ص ۵۰، نشر پیشین؛
۵. [↑](#) سبزواری، هادی، شرح منظومه، ج ۱، ص ۳۸،
۶. [↑](#) با تعلیقه حسن زاده آملی، نشر نلب، ۱۳۶۹ ش.
۷. [↑](#) مظفر، محمد رضا، المنطق، ص ۱۲، انتشارات دارالمعارف، بیروت، ۱۴۰۰ ق؛
۸. [↑](#) ملا عبدالل، الحاشیه علی تهذیب المنطق، ص ۱۷، نشر مؤسسه نشر اسلامی، قم؛
۹. [↑](#) صدر المتألهین، منطق نوین (ترجمه الممعت المشرقیه فی الفنون المنطقیه)، ص ۱۱۵، نشر مؤسسه آگاه، تهران، ۱۳۶۳ ش؛
۱۰. [↑](#) مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ۵، ص ۴۵، نشر پیشین.
۱۱. [↑](#) مظفر، محمد رضا، المنطق، ص ۱۲، انتشارات دارالمعارف، بیروت، ۱۴۰۰ ق؛
۱۲. [↑](#) ملا عبدالل، الحاشیه علی تهذیب المنطق، ص ۱۷، نشر مؤسسه نشر اسلامی، قم؛
۱۳. [↑](#) صدر المتألهین، منطق نوین (ترجمه الممعت المشرقیه فی الفنون المنطقیه)، ص ۱۱۵، نشر مؤسسه آگاه، تهران، ۱۳۶۳ ش؛
۱۴. [↑](#) مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ۵، ص ۴۵، نشر پیشین.
۱۵. [↑](#) منطق شفا، ج ۲، بخش قیاس، مقاله اولی، فصل ۲، ص ۱۵، نشر مکتبه مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ ق.
۱۶. [↑](#) حسن زاده آملی، برهان عرفان و قرآن از هم جدای ندارد، ص ۲۵، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۰ ش.
۱۷. [↑](#) مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ۵، ص ۴۴، نشر پیشین.
۱۸. [↑](#) حسن زاده آملی، هزار و یک نکته، نکته ۵۷۲.
۱۹. [↑](#) مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ۵، ص ۳۱، نشر پیشین.
۲۰. [↑](#) حسن زاده آملی، حسن، قرآن و عرفان و برهان از هم جدائی ندارد، ص ۱۰۷، نشر قیام، قم، چ ۲، ۱۳۷۴ ش.
۲۱. [↑](#) ملاصدرا، مفاتیح الغیب، ص ۵۷۴، چاپ رحل قدیم، ضمیمه شرح اصول کافی، نشر مکتبه محمودی، تهران.

## منبع

[سایت اندیشه قم](#)

رده‌های این صفحه: [علوم اسلامی](#) | [علوم عقلی](#) | [منطق](#)